

نکته

چطوری خودمان را پیدا کنیم

• اگر جی‌پی‌اس از کار بیفتد، چه اتفاقی می‌افتد؟ این سؤالی است که تیم هارفورد، نویسنده و اقتصاددان، در بی‌بی‌سی سعی کرده است به آن جواب دهد. دستگاه‌هایی که از جی‌پی‌اس استفاده می‌کنند، معمولاً جلوی کم‌شدن ما را می‌گیرند. اگر این دستگاه‌ها کارشان را درست انجام نمی‌دادند، حرکت آرام راننده‌هایی که سعی داشتند به تابلوهای خیابان‌ها نگاه کنند یا برای کمک‌گرفتن از نقشه بایستند، جاده‌ها را بند می‌آورد. خبری از تابلوی اعلاناتی که زمان رسیدن قطار بعدی را اطلاع دهد، نبود. برای گرفتن تاکسی تلفنی هم با مشکل مواجه می‌شدید. خدمات اورژانس هم دچار مشکل می‌شدند. در بندرگاه‌ها هم راهنندان به‌وجود می‌آمد چون جرتقیل‌ها برای تخلیه بار کشتی‌ها به جی‌بی‌اس نیاز دارند.کنشدن و توقف سیستم لجستیکی باعث بروز کمبودهایی در سوپرمارکت‌ها می‌شد و فعالیت کارخانه‌ها هم ممکن بود متوقف شود چون مواد اولیه به‌موقع در اختیارشان قرار نمی‌گرفت. جی‌بی‌اس از ۲۴ ماهواره مجهز به ساعت‌هایی تشکیل شده است که همگی در نهایت دقت با هم هماهنگ هستند.اگر ساعت‌های روی این ماهواره‌ها به اندازه یک‌هزارم ثانیه دقیق عمل نکنند، شما خودتان را در جایی که ۲۰۰ یا ۳۰۰ کیلومتر از مکان واقعی‌تان قرار دارد، خواهید یافت و پرداخت‌های بانکی، بازارهای سهام، شبکه‌های انرژی و تلویزیون‌های دیجیتال، همه به مکان‌های مختلفی که از نظر زمانی با هم هماهنگ هستند، وابسته هستند. قیمت‌گذاری روی این سیستم تقریباً غیرممکن است. گرگ میلنر در کتاب خود با عنوان «مکان‌نما: جی‌پی‌اس چگونه دنیای ما را تغییر می‌دهد» نوشته است مثل این است که بپرسید: «میزان ارزش اکسیژن برای سیستم تنفس انسان چقدر است؟». ماهواره جی‌پی‌اس در ۱۹۷۸ آغاز به کار کرد اما تا سال ۱۹۹۰ و جنگ اول خلیج فارس طول کشید تا عقیده کسانی که نسبت به آن شک داشتند، تغییر کند.شاید تعجب‌کنید چرا نیروهای مسلح آمریکا با استفاده عموم از آن مشکلی نداشتند. واقعیت این است که آنها راضی نبودند اما کاری هم از دست‌شان برنمی‌آمد.تاد هامفریز، استاد مهندسی هوافضا، ثابت کرده است با ایجاد اختلال در سیگنال‌ها می‌توان پهپادها را سرنوگ و قایق‌های تفریحی بزرگ را منحرف کرد و کارشناسان نگران تروریست‌ها و دولت-ملت‌هایی هستند که قادرند با فرستادن سیگنال‌های نادرست به گیرنده‌های جی‌پی‌اس در یک منطقه مشخص ویرانی به بار بیاورند. همچنین با قطع برق می‌توان شبکه‌های موبایل را از کار انداخت و سبب سقوط بازارهای سهام شد.

شترت روزنامه

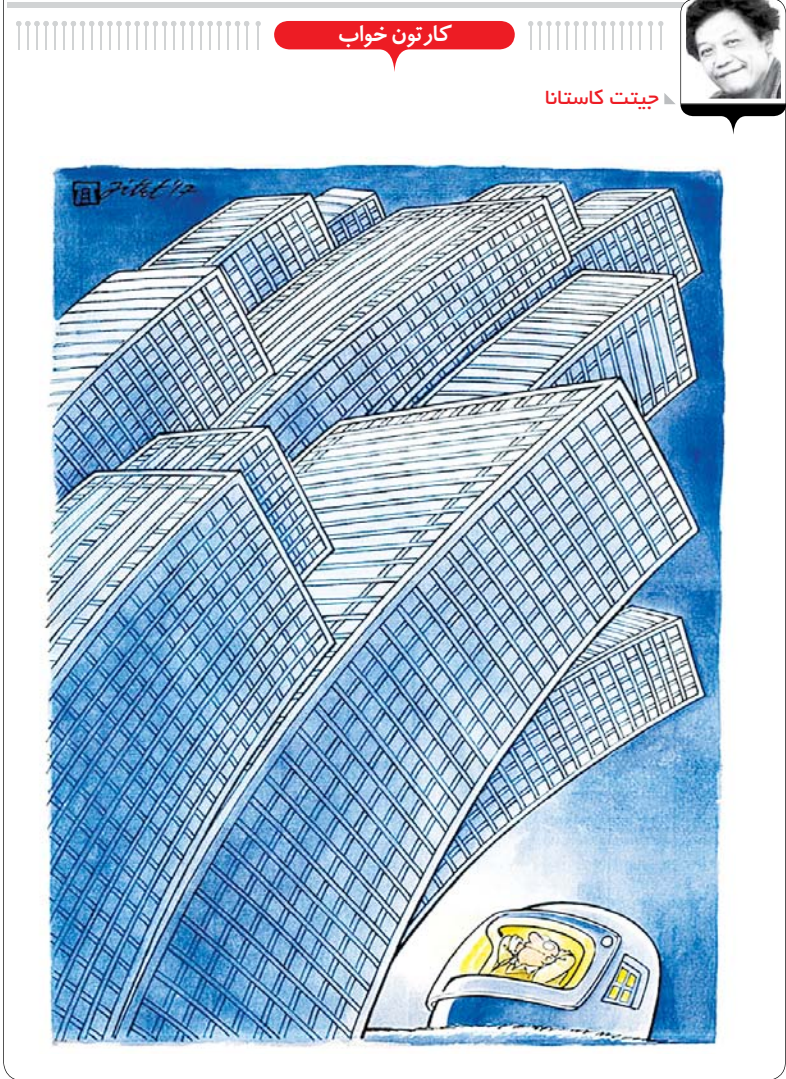
www.sharghdaily.ir

دوشنبه • ۲۷ آبان ۱۳۹۸ • ۲۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۱ • ۱۸ نوامبر ۲۰۱۹ • سال هفدهم • شماره ۳۵۷۴ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۱:۴۹ • اذان مغرب ۱۷:۱۵ • اذان صبح فردا ۵:۱۶ • طلوع آفتاب ۶:۴۴

روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



جشنواره بزرگ پاییزی همراه بانک تجارت

همراه خوب حرفه ای ها ، همراه بانک تجارت



نصب از طریق کد # ۸۸ * ۷۸۸ *

از ۱۵ آبان ماه تا ۱۵ بهمن ماه ۹۸

جوایز

۱ کمک هزینه خرید مسکن به مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۳ کمک هزینه خرید خودرو هر یک به مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۷۶ جایزه ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریالی
۹۰ جایزه ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریالی
۱۵۰۰ کارت هدیه ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریالی

مشاهده امتیازات: www.tejaratclub.ir

آکادمی

چرخ‌های «قاصدک»

سکته مغزی پیمودند. در همه کشور بیش از ۳۰ هزار بیمار سکته مغزی حاد منتقل و درمان شد، پرسنل اورژانس به‌عنوان یکی از منظم‌ترین سازمان‌های درون‌شهری توانسته‌اند زمان حضور بر بالین بیمار را در شهر تهران به کمتر از ۱۴ دقیقه برسانند. با بسیاری از سا مردم که باز هم اطمینان نمی‌کنیم و باور نداریم نقشه درمان سکته مغزی و نزدیک‌ترین مراکز در مغز متفکر اورژانس قرار دارد، صوری می‌کنند و می‌کوشند توجه ما را که تندی هم می‌کنیم، از پزشکان آشنا و بیمارستان‌های نورانی به بیمارستان‌هایی هر چند غریب و شلوغ اما نزدیک‌تر و مجهزتر جلب کنند. از بسیاری از ما پزشکان هم که در گرفتن بیمار از ایشان کندی می‌کنیم و زمان طلایی درمان را می‌کشیم، شکوه می‌کنند. هیچ کس بیش از قاصدک‌های عزیز ما ارزش زمان را که تعریف دیگرش همان کل زمان است، نمی‌داند: Time is brain. آن تیر جفایی که چرخ‌های «قاصدک» را چند شب پیش حین درمان یک بیمار سکنه‌ای درید، بی‌تردید یک استثنا بود.

مردم ما تا عمق وجود سیاست‌گرار جوانان فعالی هستند که شبانه‌روز در مرکز تلفن، در داخل آمبولانس، یا در مراکز هدایت دارند از راه دور درمان بیماران حاد را انجام می‌دهند.

به همین دلیل است که روز ۳۰ آبان به مناسبت روز جهانی سکته مغزی متخصصان مغز و اعصاب که هرساله در این روز با حضور در سرای محلات مختلف شهر تهران درباره سکته مغزی اطلاع‌رسانی می‌کنند، امسال به همراه مردم و مسئولان شهرداری از این کوشندگان با اهدای شاخه‌گلی بر زخم‌های آن تیر جفا قدردانی خواهند کرد.

پی‌نوشت:

❖ **قاصدک، شعار جدید انجمن سکته مغزی شامل حروف اول کلمات قطعا اورژانس (در صورت اختلال ناگهانی، صورت، دست و پا، است).**



❖ **بابک زمانی**
❖ **دبیر انجمن مغز و اعصاب**

امسال روز جهانی سکته مغزی در حالی فرا رسید که درمان سکته مغزی حاد در کشور ما به راه افتاده و درخواست ملی درمان سکته مغزی حاد که از زبان انجمن سکته مغزی ایران از سال‌ها قبل بیان می‌شد، از یک درخواست ملی به یک تعهد دولتی تبدیل شده است. تغییر وزیر بهداشت و بسیاری از مسئولان درمان در کشور از تعهد اخلاقی دولت در برابر جامعه‌ای که به دلایل مختلف در حال پیرشدن است (و شامل درصد فزاینده‌ای از مردم می‌شود)، نکاست. به‌نظر می‌رسد چنین مشکلات و انبوهی از مسائل بنیادین در کشور قادر نبوده است تعهدی را که مسئولان برای درمان سکته مغزی سپرده بودند، به‌تمامی از پیش چشم ایشان محو کند و البته درخواست عمومی‌ای که انجمن بیان می‌کند، فقط شامل درمان سکته مغزی حاد نیست؛ حیطه‌هایی که تاکنون مورد نظر قرار نگرفته‌اند هم در چشم‌انداز هستند که مهم‌ترین آنها عبارت از تأمین مراکز توان‌بخشی و نگهداری از بیماران سکته مغزی، اتخاذ سیاست‌هایی در جهت پیشگیری اجتماعی و البته به‌روزرسانی دانشی درمان سکته مغزی حاد است. اما آنچه تاکنون به دست آمده، «قاصدک»ی بوده است که «ق» طعاً «اورژانس» و پرسنل‌ها را شامل می‌شده که با سرعت بیمارانی را که «ص» ورت ایشان کج شده، «د»ست ایشان فلج شده یا «ک»لام ایشان مختل شده است را با سرعت به مراکز درمانی منتقل می‌کردند. چرخ‌های این «قاصدک» که بی‌تردید هیچ مصداق عینی‌ای بهتر از آمبولانس‌های اورژانس نمی‌یابد، در سه سال گذشته هزاران کیلومتر راه را برای باری بیماران و صدومان شامل بیماران



❖ **محمد درویش**

در یورکینافاسو دیگر پنبه تراریخته وجود ندارد. نیمه سال ۲۰۱۶، هفت سال پس از آنکه این کشور بذر پنبه تراریخته از کمپانی مونسانتو را به سیاهه محصولات خود اضافه کرده بود، شرکت‌های عمده در بازار -سوفیتکس، سوکوما، و فازو کاتن- این بذر خود حذف کردند. با این کار، سهم ۷۰ درصدی پنبه تراریخته به صفر رسید. کشاورزان در این کشور آفریقایی غربی با دیده بسیار انتقادآمیز به پنبه تراریخته می‌نگریستند: بذر گران، بازده پایین، مشکلات سلامتی برای زنانی که محصول را برداشت کرده و برای دام‌هایی که از برگ‌های این گیاه تغذیه می‌کردند. از زمان پایان پنبه تراریخته تا به‌حال بازده محصول بهتر شده و دام‌ها سالم شده‌اند. در فصل برداشت ۲۰۱۶- ۲۰۱۷ تولیدکنندگان در یورکینافاسو ۶۸۳ هزار تُن پنبه - ۱۶ درصد بیشتر از سال پیش که نیمی از بذر از آزمایشگاه‌های مونسانتو و بنیاد پژوهش محیط زیست و کشاورزی این کشور (Inera) بود- به دست آوردند. هم‌زمان بازده محصول هم در هر هکتار چهار درصد بیشتر شد و کیفیت پنبه بهبود پیدا کرد (طول ریسمان آن بلندتر شد).

در یورکینافاسو ۲۰درصد از مردم به‌طور مستقیم با کاشت پنبه امرار معاش می‌کنند که شامل چهار درصد از تولید ناخالص داخلی است. تا اوایل سال دهه نخست قرن جاری، پنبه مهم‌ترین محصول صادراتی این کشور محسوب می‌شد که در ۲۵۰هزار واحد کشاورزی، اغلب شرکت‌های کوچک یا خانوادگی تولید می‌شد. در گزارشی از سال ۲۰۱۱ از جانب وزارت محیط زیست از کشت پنبه به‌عنوان راهی برای مبارزه با فقر و بهبود شرایط زندگی مردم روستایی نام برده و برای پنبه تراریخته رسماً کارنامه خوبی صادر شده بود: بازده عالی و کشاورزان سالم. در سال ۲۰۱۰، کمتر از یک سال پس از نخستین برداشت محصول پنبه تراریخته، پژوهشگرانی با پشتیبانی مالی توسط مونسانتو به این نتیجه رسیدند که «یورکینافاسو یک نمونه برجسته از فرایند و رویه مورد نیاز برای ارااندازی موفقیت‌آمیز یک محصول در بازار محصولات تراریخته است». باوجود اینکه از همان آغاز نشانه‌هایی از مشکلات مشاهده می‌شد، اما مونسانتو تلاش در مماشات و خاموش‌کردن این نشانه‌ها را داشت. پیش از ورود بذر پنبه تراریخته سهم پنبه ریسمان بلند ۹۳درصد از تولید پنبه یورکینافاسو بود و نوع ریسمان کوتاه تنها ۰،۴۴درصد. در سال ۲۰۱۵ فقط ۲۱درصد از بازده، پنبه ریسمان‌بلند اما در عوض ۵۶ درصد ریسمان‌کوتاه بود. پنبه از یورکینافاسو به این طریق وجهه و ارزش خود را از دست داد. دلیل این شکست واضح است: مونسانتو و بنیاد پژوهشی Inera در دست‌کاری ژنتیکی تقلب کرده و به جای شش تا هفت بار تلافی برگشتی، فقط دوبرابر این کار را انجام داده بودند. اما اوایل سال‌های ۹۰ فرصت کم بود و کشاورزان پنبه به‌دنبال آفت پنبه مقدار قابل توجهی از محصول خود را از دست داده و مقروض شده بودند و از این‌رو به پنبه تراریخته روی



❖ **دکتر مصطفی اقلیبا**

• ساختمان پلاسکو نیز که در اختیار یک بنیاد دولتی است، از پیچ‌وخم‌های بوروکراتیک بیرون نیست. این دیرشدن‌ها و به تعویق افتادن‌ها، خودش یک بار سنگین و هزینه‌بر خواهد بود، زیرا هر ایده ساخت‌وسازی بنا بر تورم و گرانی‌های هر ساله درصدی بر آن رقم پیش‌بینی شده خواهد افزود و اگر ساخت یک پروژه ساختمانی به جای دو سال چهار، پنج سال به درازا بکشد، حتماً حدود چهار یا پنج برابر مخارج پیش‌بینی شده، باید صرف بودجه هر پروژه‌ای کرد. اگر همین ساختمان در اختیار شرکت‌های



خصوصی باشد، بنا بر رعایت تصمیم‌های قطعی و رساندن هزینه‌ها به حداقل ممکن، در زمان کوتاه و با کمترین هزینه قابل پیش‌بینی به پایان خواهد رسید، اما در پروژه‌های دولتی، اول دعوا بر سر انجام کارهاست و بعد هم با تعویض مدیران هر که از راه می‌رسد جلوی پروژه‌های پیش از خود را می‌گیرد، مگر آنکه طوری پیش برود که همه چیز به نام خودش‌ان تمام شود؛ یعنی خیلی مهم است که بگویند کار را «که» تمام کرد؟! درحالی‌که اینها متعلق به ملت است و باید با کمال حسن نیت و به دور از نام‌آوری اشخاص با کمترین هزینه ممکن ساخته شود و در اختیار مردم قرار بگیرد. به نظر، ما دامی که شایسته‌سازی حاکم بر سیستم دولتی ما نباشد، همواره شاهد چنین اتفاقاتی خواهیم بود که هر که می‌آید فقط دنبال این است که پروژه‌ها را به نام خودش‌ان کند و اگر پروژه‌هایی از قبل باشد، همه آنها را دور می‌زند و خیلی دیر به یادشان می‌افتد که باید چنین کارهایی نیز سرانجام یابد. در تمام دنیا رسم بر این است که هر مدیر کلی پیرو مدیران پیش از خود باشد و از قبل مسیر کاری برایش ترسیم شده باشد که باید بودجه‌ها صرف چه کارهایی بشود و این نیست که هرکسی به دلخواه کارهای قبل از خود را بخواباند و پروژه‌های خود را پیش بگیرد و حتی در ایران دیده شده که یک ساختمان نیمه‌تمام را از بیخ‌وبس از بین برده‌اند چون مدیر جدید با ساخت‌وسازش موافقتی نداشته است.ما در همدان چند سال پیش شاهد ساختیم یک ساختمان برای دانشگاه علوم بهزیستی بودیم که ایده‌اش برای پیش از انقلاب بود و بیست‌و پنج سال پیش همان را ساختند که دولت برایش شش میلیارد تومان هزینه کرد. اما رئیس بعدی آمد و گفت ما این را نمی‌خواهیم. برای همین، در سه دوره با آمدن رئیس‌جمهورهای مختلف این ساختمان افتتاح شد و قرار شد که بزرگ‌ترین بیمارستان توان‌بخشی باشد. تازه پلاسکو یک ساختمان کوچک است؛ همین اتفاق در ابعاد بزرگ‌تر، مثل سیل و زلزله که باید خیلی ضرب‌الاجلی هم باشد، مدت‌ها به درازا می‌کشد، بی‌آنکه متوجه سرما و گرمایی باشند که مردم باید در چادر و کانکس به‌سر ببرند. در هر واقعه‌ای نیز همان روز اول تعداد زیادی پزشک و روان‌پزشک سر مردم می‌زنند، بی‌آنکه بداند اینها نیازمند غذا و چادر و بازسازی ساختمان‌های‌شان هستند. اینها در زلزله و سیل فقط دچار شوک بزرگ شده‌اند و باید به آنها غذا و امکانات برسد، در غیر این‌صورت به مرور افسرده خواهند شد؛ بنابراین اینها در برخورد اول نیازمند مددکاران اجتماعی هستند که زودتر به روال عادی زندگی برگردند و با پزشک و روان‌پزشک دردی از آنها درمان نمی‌شود، بلکه خود اینها با مزاحمت باعث بیماری آسیب‌دیدگان خواهند شد. دولت هم وای به آسیب‌دیدگان می‌دهد و بعد که نمی‌شود کاری کنند، چون انتظار دارند خودشان ساختمان بسازند، تازه باید این پول را برگردانند و اینها هم بی‌کار شده‌اند؛ بنابراین از همان یارانه ماهانه که باید با همان نان بخورند، این وام کسر می‌شود. بنابراین باید این ساختمان‌سازی‌ها به بخش خصوصی که متعهدانه‌تر کار می‌کنند، سپرده شود؛ زیرا مدیران دولتی هم به تعهدات دیرشده‌شان پاسخگو نیستند و این مدیران یقیناً در نظام شایسته‌سالار تعیین نشده‌اند که پاسخ‌گویی را اصل و اساس کارشان قرار بدهند و پشت هر یک از اینها چند آدم دیگر هستند و این‌گونه سلسله بی‌تعهدی را باب می‌کنند. درحالی‌که انتخاب افراد برحسب توان و تخصص و ارانه قراردادهای مشخص کارآمدی آنها را به‌نحو شایسته و نزدیک به یقینی اثبات خواهد کرد و این همانا خواست سران مملکتی است. در نظر داشته باشیم پلاسکو مشتم نمونه خرواری است که در آن عقب‌افتادن یک پروژه باعث نابسامی‌ان زندگی چندین نفر خواهد بود که آنها نیز باید پاسخ‌گوی خانواده‌هایشان باشند و اگر دولت چندان توجه‌ای به این تعهداتش ندارد، باید خرده گرفت که چرا نباید زودتر از اینها پلاسکو بازآفرینی شود و در اختیار این بیچارگان و آسیب‌دیدگان قرار بگیرد، چون بنیاد مستضعفان که مشکل مالی هم ندارد که بخواهند نبودن بودجه را بهانه کنند و هر روز این عقب‌اندازی‌ها آسیب‌های دیگری را به مردم وارد کند.

❖ **رئیس انجمن علمی مددکاران اجتماعی ایران**